



یادنامه ای به یاد دکتر داود شاه محمدی

بهداشت روان:

غفلت بس است، مراقبت کنیم*

۱- او استاد توامند روانپژشکی اجتماعی و بهداشت روانی کشور بود. دانش، آموزش، پژوهش و مهارت اجتماعی او در این رشته در کشور بی نظیر بود. هیچکس از اساتید و یا دانشجویان او نتوانستند اینگونه به عمق مفاهیم اساسی روانپژشکی اجتماعی و بهداشت روانی و روش بکاربرتن آن در شهرها، روستاهای، مدارس و خانواده‌ها و حتی در دیگر کشورها آشنا باشد. او می‌توانست با این توانایی عمیق در مواجهه با هر مشکل جدید و در دعوت هر سازمانی، به راحتی به تجزیه و تحلیل مشکل آنان پرداخته و راه حل و برنامه جدید بهداشت روانی ارائه دهد.

۲- او روانپژشکی شیفتگه مراقبتهای بهداشتی اولیه بود. در ایران نمی‌توان روانپژشکی را یافت که بتواند با شیفتگی، توانایی، مهارت و پیگیری او در شبکه مراقبتهای بهداشتی اولیه ایران و دیگر کشورها حضوری خلاق داشته باشد. بسیاری از بهورزان، روانشناسان، پرستاران، پزشکان عمومی و روانپژشکان کشور الفبای بهداشت روان در مراقبتهای بهداشتی اولیه را از زبان و نوشته‌های او یاد گرفتند و دست بیماران دردمد روانستایی را همراه دستان او گرفتند. همه آنها نام او را به خاطر همین ویژگیها به دل سپردند و او هم یکسره در انتیتو و در جلسات نام آنها را حفظ بود و با افتخار و عشق بیان می‌کرد. داود همان ملک افضلی بهداشت در روانپژشکی اجتماعی کشور بود.

۳- برنامه ملی بهداشت روانی^۱ کشور^۱ نامی بود که او دوست داشت که به جای نام "برنامه کشوری بهداشت روانی" ایران به کار برود. این برنامه پس از تولد در سال ۱۳۶۴، با سه سال رهاشدن در بایگانی‌های وزارت بهداشت و جان گرفتن و راه افتادن مجدد در سال ۱۳۶۷، بلا فاصله به دامن شاه محمدی در دشتها و کوههای شهر کرد غلطید، پرستاری و تغذیه‌ای عاشقانه شد و توسط او در یک گزارش کامل پژوهشی به وزارت بهداشت و سازمان جهانی بهداشت ارائه و نتایج آن بود که به عنوان برنامه ملی بهداشت روانی ایران به سراسر ایران گسترش یافت و موجب تحسین بسیاری از

* دکتر جعفر بولمری، ۱۳۸۰/۱۲/۲

کشورهای دیگر دنیا شد. این جوان - یعنی این برنامه - فرزند خوانده او بود و این جوان تا بحال صدها هزار بیمار بی پناه داده و خانواده‌ها را امید و چشم هزارها بهورز، روانشناس، پزشک عمومی و روانپزشک را به جمال زیبای بهداشت روانی روشن کرده است.

۴- **پیشگیری اولیه در بهداشت روانی:** این برنامه به خواست و پیگیری داوود در ابتدا به صورت یک "کارگاه پیشگیری اولیه در بهداشت روانی" و با حضور اساتید صاحب نظر روانشناسی و روانپزشکی در اهواز به اجرا درآمد، آنگاه با مدیریت او در مجموعه متون پیشگیری اولیه در بهداشت روانی، در انتیتو روانپزشکی تهران تدوین شد و سپس در سال ۱۳۷۹ به صورت دو کارگاه پیشگیری از خودکشی در تهران و قمصر اجرا و برنامه پیشگیری از خودکشی در اسلام آباد، کاشان، ایلام و ساوجبلاغ به مرحله عمل رسید. پیشگیری اولیه در عقب ماندگی ذهنی و صرع جزو برنامه‌های آتی او برای کشور بود.

۵- **مطالعه همه گیر شناسی اعتیاد در کشور:** این طرح پژوهشی در چند ساله اخیر به همت او و حمایت دوستان پژوهشگری طراحی و با وجود نیاز شدید جامعه مدت‌ها مورد بی‌لطفی مسئولین بود. در چند ماهه اخیر او توانست طرح را به اجرا درآورد و برای اولین بار در ایران با شهامتی بی‌نظیر یافته هایی مبنی بر شیوع بالای اعتیاد و مصرف الکل در کشور را به طور مستند به دست آورد.

۶- **طرح ادغام اعتیاد و سوء مصرف مواد:** این طرح خدمت و ابداع عظیمی بود که با تفکر خلاق و عشق بی‌پایان او طراحی شد، و اساتید بسیاری به او کمک کردند و حول محور نورانی او چرخیدند تا طرح را پختند، اما تا به حال این طرح عظیم، علمی، کارا و ادغام شده در بهداشت روان و مراقبتهاشی اولیه هیچ خریداری نداشته و بودجه‌ای و حمایتی از این طرح در وزارت بهداشت و ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور نکرده‌اند.

۷- **قانون بهداشت روانی و بودجه برای بهداشت روان:** او در افغانستان قانون بهداشت روانی پیدا کرده بود و می‌سوخت که چرا ما در ایران قانون بهداشت روان نداریم. در این مورد سالها بود که بحث می‌کرد، طرح می‌نوشت و جلسه می‌گذاشت. فکر می‌کرد که چرا او مسئول بهداشت روان کشور باشد اما هیچ قانونی نباشد که مجلس تصویب کند و دولت را موظف کند بودجه‌ای را برای بهداشت روانی مردم بگذارد؟ مگر می‌شود که قانونی نباشد که از دولت، وزارت‌خانه‌ها، دانشگاه‌ها و بیمارستانها و متجاوزین به حقوق بیماران روانی، عقب مانده‌ها و آسیب دیده از استرسها و بحرانهای روانی و اجتماعی دفاع کند؟ همه اینها پرسش‌ها، تفکرات و تقلاهای او بود که روی کاغذها و در پرونده‌های راکد چشم به راه دوست داران او و دوست داران بهداشت روانی است.



۸- پیشگیری از سوانح و حوادث: طرح پیشگیری از سوانح و حوادث و توجه به ابعاد رفتاری آن طرحی بود که توسط او در سالهای گذشته نوشته شد و خیلی زود با تغییر مدیریت در وزارت بهداشت، به فراموشی سپرده شد. به دنبال این نوع غفلت‌ها بود که ایران در جهان در سوانح و حوادث زبانزد خاص و عام شد و همه روزه شرمندگی کشته‌های ناشی از سوانح و حوادث جاده‌ای بر چهره همه بجز داود عرق سردی نشانیده است. داود خود نیز قربانی یک سانحه شد و امروز دولت پس از ۲۳ سال وزارت راه را موظف به ارائه طرح جاده‌ای نموده است. دعایمی کنیم که خداوند جزئی از تلاش و عشق و دانایی او را نصیب کارشناسان وزارت راه و هواپیمایی کند تا به جای طرحی سطحی، من بعد با ارائه طرحی علمی و مشاوره با دانشگاههای علوم پزشکی و وزارت بهداشت جان‌ها را در آینده با اینمی بیشتری حفظ نمایند.

۹- افغانستان، یمن و سودان. مردم این سه کشور، محروم، فقیر، مسلمان عاشق ایرانیان هستند. او بارها به عنوان مشاور سازمان جهانی بهداشت به این کشورها سفر کرد و به تدریس، برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی و مشاوره بهداشت روانی پرداخت و هر بار کارنامه‌ای روشن، افتخارآمیز و بسی نظری ارائه داد و همه دوستان در آن کشورها را مجدوب خود کرد. امروز همه آنها که از شهادت او خبردار شده‌اند در غم و عزایی بزرگی فرو رفته‌اند.



شادروان دکتر داود شاه محمدی و همکاران ماموریت طراحی برنامه ملی بهداشت روان سودان ۲۵ نوامبر ۲۰۰۱ سودان. از طرف WHO



شادروان دکتر داود شاه محمدی و همکاران ماموریت طراحی برنامه ملی بهداشت روان یمن

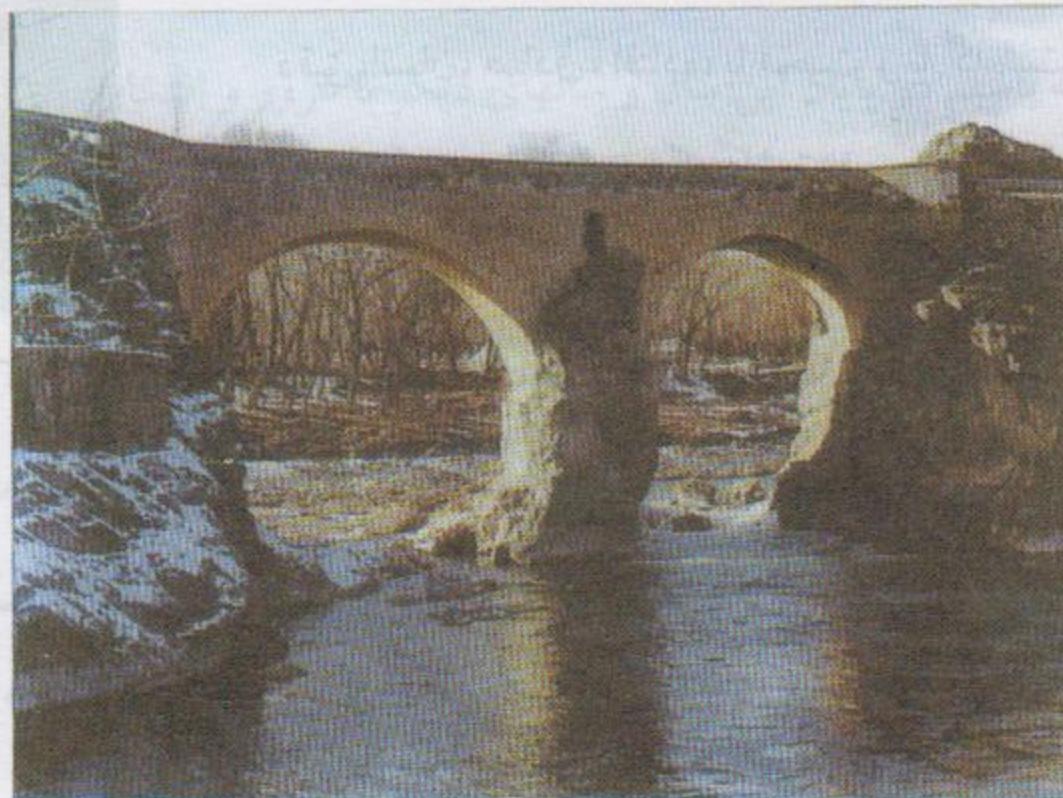
۵ جولای تا ۱۵ آگوست ۱۹۹۷. از طرف WHO

۱۰- فعالیتهای آموزشی و پژوهشی: شرکت در کنگره‌ها، سمینارها، اجلاسها، جلسات مشاوره، کارگاه‌های آموزشی، کلاس‌های درس و برنامه‌های، آموزشی و بازآموزی خارج از امکان نگارش از نظر تعداد است. پایان نامه‌ها، کتابچه‌ها، ترجمه‌ها، مقالات پژوهشی و مشارکت در ترجمه و نگارش کتاب، کار همه روزه و نیمه شبهای او بود و ثبت و بیان آن از حوصله این نوشه خارج است. ترجمه ۱۱ کتاب درباره ارزشیابی برنامه‌های اعتیاد که با دست خود و با شوق و ذوق بسیار از ژنو آورده بود هنوز به نیمه راه نرسیده است، احتمال که بخشی از برگهای ترجمه شده آن در دامنه سپید، سپیدان کوه پراکنده باشد.

۱۱- داود همیشه نگران همه گروههای آسیب پذیر از نظر بهداشت روان بود. کودک و همسر آزاری، بهداشت جسم و روان افراد تالاسمی، بهداشت روانی در نیروهای مسلح، بهداشت روانی حرفة‌ای، صنعتی و کار؛ بهداشت روانی مدارس، بهداشت روانی دانشجویان، بهداشت روانی روستایی، بهداشت روانی شهری، بهداشت روانی جانبازان، توانبخشی و بهداشت روانی معلولین، بهداشت روانی کارکنان زندانها، ارتقاء بهداشت روان جامعه و دهها کار اجرایی، پژوهشی و آموزشی در حوزه‌های مختلف جزو طرحهای آینده و فعالیتهای روزمره وی بود.

۱۲- بهداشت روانی و مشاوره در زندانها: رنج عاطفی، افسردگی، نومیدی و درماندگی زندانیان زندانهای ایران و اسرائیل عراقی در ایران همیشه موجب اشتغال فکری او بود. تجربه پزشکی با اسرای عراقی در سالهای خدمت نظام در اردوگاه اسرای عراقی در شمال ایران و ارتباط عاطفی عمیق او با آنان موجب شد تا یکسره به فکر بهداشت روانی اسرا و زندانیان باشد. به دنبال بازدید، مشاوره و کنفرانس‌های مختلف در این زمینه وی اخیراً "اقدام به نگارش "طرح جامع بهداشت روانی زندانها کشور" نمود و در هفته‌های اخیر در نظر داشت تا مشاوره و روان درمانی را نیز به این برنامه اضافه نماید.

۱۳- روانپزشکی و مشاوره در بیمارستانهای عمومی: مراجعین به بخش‌های مختلف جسمی در بیمارستانهای مختلف به ویژه مراجعین قلبی، گوارشی، پوستی، اورتوپدی و زنانه‌های بسیار جسمی دارند اما از بیماری و فشار عصبی و روانی در رنجند. دانش و مهارت ضعیف و نگرش منفی متخصصین این رشته‌ها موجب بی توجهی به این بیماران و هزینه گزارف برای آنان شده است. داود با علمی به روز، عشقی عمیق و تیزبینی ویژه خود سالها علیرغم مخالفت رؤسای این بیمارستانها و عناد سایر پزشکان در استفاده از روانپزشک در بیمارستانهای عمومی به دنبال ایجاد بخش روانپزشکی در بیمارستانهای عمومی کشور بود و به وجود ۲۳ بخش در بیمارستان عمومی افتخار می‌کرد. وی دو ماهه اخیر طرح جدید استقرار روانپزشک و روانشناس در این بیمارستانها را نوشت و در حال نهایی کردن آن بود که نیمه تمام رها شد.



۱۴- شکافها را پرسنیم: داود همیشه ستونهای محکم "پل زمانخان" سامان شهر کرد را پایه‌های محکمی از مراقبتها بهدادشتی اولیه ایران تفسیر می‌کرد که قادر است برنامه بهدادشت روانی ایران را به پا نگهدارد. این تفسیر او مانند ستونهای آن پل عظیم آنچنان محکم و مستدل بود که این تفسیر در

سال ۸۰ جهانی شد و تصویر پل زمانخان توسط سازمان جهانی بهداشت به عنوان "سمبل بهداشت روان" و سمبول پر کردن شکاف بین نیاز مردم و فقر خدمات انتخاب و در سراسر جهان منتشر شد. تصویر این پل با هنرمندی و ظرافت تمام از قلب داود فریاد می‌زد که شکافها را پر کنیم و این شعار همراه شعار غفلت بس است این روزها که روزهایی از سال جهانی بهداشت روان است به فرمان او در و دیوارهای سراسر کشور را پر کرده‌اند تا شاید کسانی به آنها فکر کنند و کسی پیدا شود که این شکافها را پر و این غفلت‌ها را جبران کند.

۱۵- مثلث و مکعب داود: او در خیلی از جلسه‌ها و بحث‌ها و سمینارها از مثلث و مکعب ابداعی خودش استفاده می‌کرد. در مکعب با مهندسی هنرمندانه تمام بهداشت روان را به عنوان اصل نهم مراقبتهای بهداشتی اولیه جا داده بود و آنرا جزء وجودی جداناپذیر بهداشت می‌دانست و آموزش می‌داد. با مثلث خود نیز خیلی چیزها را آموزش داد. اینکه سطح اول و قاعده خدمات خود مردم‌اند، سطوح میانی پزشکان عمومی و مراکز بهداشتی درمانی و قله آن نیروها و سطوح تخصصی. اینکه نظام ارجاع از قاعده به رأس و از رأس به قاعده مثلث ارائه خدمات لازمه یک نظام درست است. اینکه نیازهای ابتدایی و نیازهای متعالی در چه سطحی از یک مثلث قرار می‌گیرند.

۱۶- یار او و هوشمند لاپیقی: سالها با لایقی بودم، اما از او هیچی نمی‌دانم. او آنقدر آرام، صبور، متین، کم حرف، باهوش، دقیق، انسان، صادق، افتاده، با محبت و با گذشت بود که هر کاری که می‌کرد و هر علمی که داشت در پشت اینها پنهان بود و نمی‌شد جز این همه خوبی چیزی را در او دید. شاید بشود گفت که او اگر



مثل داود نبود، کمتر از او نبود، او در همه قدمها و افکار داود همراه او بود و در همه فعالیتها گفته شده شریک، در عروج او به ملکوت اعلی نیز همراه او بود.

۱۷- همسر، فرزندان، خانواده، دوستان و عزیزان این دو: باید بپذیریم که تمام کوشش‌های شبانه روزی آنها هم از روی عشق و ایمان و هم از روی علم و عقل بوده و به جز راه آنها در دنیای دور روی ریاکاران و سیاست بازان امروز، هیچ راهی نیست (عشق، ایمان، علم و عقل). همه روانهای دردمند و همه مردم، چشم به راه نتایج خدمات آنها هستند و همه خدمات علمی و اجتماعی نیاز به حرکتهای متحولانه آنها دارد. پس هیچ راهی نداریم جز پیروی از آنها. خدای داود و خدای هوشمند یار همه باد، صلووات و فاتحه به روح پاک آنان.

پیامهایی از شادروان دکتر داود شاه محمدی

هزاره سوم را با بهداشت روان آغاز نماییم

فرارسیدن ۷ آوریل ۲۰۰۱، روز جهانی بهداشت، بر همکان مبارک باد

اساسی ترین سؤال بهداشتی سال ۲۰۰۱ عبارت است از:

چه کسی مسئول تأمین بهداشت روان جامعه است؟

باییم در هر موقعیتی که هستیم متعهد شویم حداقل در این روز و سال، همگام با تمام دولتها و ملتهاي جهان به فکر سلامت روان خود، خانواده و جامعه مان باشیم و در آخر سال از خود پرسیم که:

من برای تأمین بهداشت روان جامعه ام چه کردیم؟

شاید افتخار داشته باشیم در پایان این سال و سالهای دیگر با غرور و افتخار و با صدای بلند بگوییم:

من آنچه در توان داشته ام در راه ارتقاء بهداشت روان جامعه ام
انجام داده ام.

باییم در این روز و سال عهد و پیمان بیندیم که:

از بهداشت روان غافل نباشیم و به آن توجه کنیم،
ذیرا:

زمان توجه به بهداشت روان فرا رسیده است.

دکتر داود شاه محمدی

دبیر ستاد اجرایی مراسم سالروز جهانی بهداشت

ای دریغا چه گلی ریخت به خاک
چه بهاری پژمرد
چه دلی رفت به باد
چه چراغی افسرد

سخن گفتن از دوست دیرینه‌ای که سالها با او بوده‌ای و به ناگهان تنهاست می‌گذارد چندان ساده نیست. داوود همیشه خودش بود، آرام و عمیق و به دور از هیاهو و شتابزدگی. در زمان دانشجویی که بسیاری چون کف بر آب بودند و خروشان و گذران؛ او رودی بود آرام و عمیق و از همان هنگام نگران سرنوشت انسانها و در جستجوی راهی برای اعتلای او. سرانجام گمشده خود را در کنکاش در درون انسانها، بهبودی شرایط نابسامانی روانی و پیشگیری از این نابسامانی یافت. وی چونان عاشقی سرگشته سر از پای ناشناخته این راه تازه یافته را گام نهاد و استوار به پیش رفت. یک تنه، عاشق و پرشور، نه سرمای استان چهارمحال و بختیاری، نه کم مهری مسئولین وقت سازمان که هرگونه حمایتی را از او دریغ می‌داشتند و نه سنگاندازی‌های گوناگون او را دلسوز نکرد. چه شبها که تا بیگانه بیدار بود و طرحهای نو در می‌انداخت. در هنگامه‌ای که همه چیز در شعار بود او راه عمل در پیش گرفت و یک تنه راه پر سنگلاخ بهداشت روانی را که مقوله‌ای بس نو و ناشناخته بود، در استانی بس محروم هموار کرد.

ارزش کار داوود را تنها هنگامی می‌توان دریافت که به آن روستاها سفر کرد؛ که استان را از نزدیک شناخت؛ که زمستانهای برفگیر آن را از نزدیک دید و بی مهری فراوان نسبت به بهداشت روان را در آن دیار آزمود. داوود با همه این موانع در حالی بهداشت روان را جان بخشید که نهالی بس شکننده بود. وقتی او را در شب‌های سرد شهرکرد می‌دیدم آتش درون او گرمابخش آن سردی بود، آتشی که سرانجام به دیگران نیز رسید.

او با رشته اش زندگی می‌کرد و تبلیغ کننده بی مدعای آن بود. در شهرکرد که پس از سالها یکدیگر را یافتیم، مرا شیفته وار به راه خود کشاند. پس از بازگشت به تهران بی هیچ چشمداشتی پی‌گیرانه مشوق بهداشت روان بود و بارها و بارها مرا از لغزش زیاده خواهی و مادی گرایی باز می‌داشت و در دل همیشه مرا به تحسین و امیداشت و به شرمساری، که او کجا بود و ما کجا؟ هیچگاه برای خود و خانواده‌اش چیزی نخواست و آنچه داشت برای پیشبرد بهداشت روان در طبق اخلاص می‌نهاد و بعدها که من به شهرستان رفتم همچنان مشوق گسترش بهداشت روانی و



حمایت از آن بود؛ هیچگاه فراز و نشیب‌ها و دشواری راه او را به پس نکشاند و سرانجام با همت او بود که این نهال نوپا به بار نشست و بهداشت روان ایران توانست جایگاه خود را در منطقه و جهان بازیابد.

او رفته است اما نام بهداشت روانی این مرز و بوم با نام او عجین گردیده و جدایی ناپذیر شده است و دریغ که رسانه‌های همگانی و به ویژه صدا و سیما از این کوشنده بسی ادعای حل مشکلات اجتماعی و روانی آنچنانکه شایسته او بود یاد نکردند. اما این از ارزش‌های او نمی‌کاهد که او ساری و جاری در زمان و مکان است. او خستگی ناپذیر بود، او عاشق بود و عاشق هرگز نمی‌میرد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

و نام او بر جریده بهداشت روانی ایران و منطقه تا ابد ثبت است. بگذارید به یادش سالروز بهداشت روانی را با نام دکتر شاه محمدی در هم آمیزیم شاید پاسخی باشد هر چند کوچک به آن نام بزرگ. یادش و راهش جاودانه باد.

دکتر گودرز عکашه

کاشان، ۱۹ خرداد ۱۳۸۱

به یاد عروج شهادت گونه دکتر داود شاه محمدی (فاجعه هوایپما)

رخت بر بست از جهان، استاد اعصاب و روان
دائمًا بودی انسانیس و یاور مستضعفان
پر کشید آن نازنین سری سرای جاودان
بال و پر در خون خود زد از کران تایکران
از فراز کوه ایض، سوی جنت شد روان
سوخت سرتاپای جانش، چون همه سوتی دلان
شاهد این مدعای هر لحظه روزان و شبان
همت جانانه اش، کی کمتر از شیرزیان
بودی اندر خدمت افتاده و درماندگان
بهر گل همدم بد و از بهر بستان با غبان
زان سبب آواره دشت و دمن بود هر زمان
بود جسمش در زمین، اندیشه اش در آسمان

ای دریغا با دو صد افسوس و اندوه و فغان
روز و شب در جای جای ملک ایران عزیز
ناگهان خاموش شد آن بلبل بستان عشق
چون سبک بالان دشت لاله گون نینوا
زرد کوه بختیاری آشیانش بد، ولی
بود خود سوتی دلی، اندردیار عاشقان
در دلش غیر از خدا و خدمت خلقش نبود
عالی بود از دیار عارفان کوی یار
پشت بر دنیای دون کردی، چو مولایت علی
هم بسان چله در گلشن زیبای عشق
او علمدار سلامت بود، در بخش روان
گفت عامر در حق داود، استاد روان

Andeesheh
Va
Raftar
الدیشه و رفثار

۸۰

دکتر احمد عامری
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

آسفند ۱۳۸۰

